

## دلایل گسترش سلفی‌گری افراطی در جمهوری آذربایجان؛

### با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگی، تاریخی، سیاسی

جعفر خاشع<sup>۱</sup>، غلامعلی سلیمانی<sup>۲</sup>

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۱

#### چکیده

به‌صورت سنتی، اسلام رایج در بین مردم در دو سوی دریای خزر، ترکیبی از عقاید و باورهای قدیمی ایرانی و سنن اسلامی در منطقه بوده است. به‌مرور زمان به‌ویژه بعد از فروپاشی شوروی، بانگیزه‌های سیاسی، عقاید مردم در جمهوری آذربایجان دستکاری شده است. فقر، بی‌ثباتی‌ها و آشفتگی همراه با تشنگی بیشتر برای مذهب، زمینه‌های فعالیت کنشگران خارجی در این کشور را فراهم کرده است. در نتیجه این مداخله، سلفی‌گری به شکل افزایش باورها، شعائر و سنن در ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در جمهوری آذربایجان بروز و ظهور پیدا کرده و موجب بروز فضای ضد ایرانی و تخریب روابط با ج.ا.ایران شده است. این پژوهش در تلاش است با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی و تحلیل سؤال «علل برآمدن و گسترش سلفی‌گری افراطی در جمهوری آذربایجان» بپردازد. نتایج پژوهش حکایت از این دارد که رقابت کشورهای منطقه در جمهوری آذربایجان، در وضعیت دینی جامعه این کشور تأثیر گذاشته است. این رقابت‌های سیاسی خروجی‌های فرهنگی تأثیرگذاری در جمهوری آذربایجان از جمله رشد سلفی‌گری داشته است. سلفی‌گری متأثر از ترکیه به نسبت دیگر کشورها ضدیت بیشتری با نفوذ فرهنگی ج.ا.ایران و تشیع در جمهوری آذربایجان دارد.

**واژگان کلیدی:** سلفی‌گری، جمهوری آذربایجان، قفقاز شمالی، ج.ا.ایران، روسیه، عربستان.

۱. کاندید دکترای مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران (نویسنده مسئول). [jkhashe@ut.ac.ir](mailto:jkhashe@ut.ac.ir)

۲. استادیار گروه انقلاب و اندیشه سیاسی دانشکده معارف دانشگاه تهران. [soleimani1359@ut.ac.ir](mailto:soleimani1359@ut.ac.ir)

## ۱. مقدمه

منطقه قفقاز در طول تاریخ به‌عنوان گذرگاه عبور اقوام مهاجم همیشه مورد تاخت‌وتاز بوده و مردمان اصیل منطقه برای دور ماندن از تهاجم همواره به بالای کوه‌های قفقاز پناه می‌بردند. علاوه بر این، مهاجمان مهاجر این منطقه از گزند همسایگان نیز در امان نبوده و همواره مورد تهاجم همسایگان خود از جمله عثمانی، روسیه تزاری و شوروی قرار می‌گرفتند. در برهه فعلی تهاجمی از جنس دیگر منطقه قفقاز و به‌ویژه جمهوری آذربایجان فعلی را در بر گرفته است. این تهاجم نه مثل لشکرکشی‌های گذشته با سرباز و شمشیر بلکه از نوع نرم و فرهنگی و برای ریشه کردن بنیان‌ها و پیشینه مذهبی و تاریخی منطقه است. مهاجمان، متحدانی از خود منطقه دارند. دولت جمهوری آذربایجان با تعریف هویت ملی این کشور بر مبنای یک هویت قومی سعی در کنار زدن پیشینه‌های تاریخی این سرزمین و بنا نمودن هویتی جدید همسو با منافع برخی جریان‌های داخلی قدرت و اهداف منطقه‌ای کنشگران خارجی دارد.

این هجوم توسط جریان‌های افراطی قومی (پان‌ترکیسم، پان‌آدریسیم) و جریان‌های افراطی دینی (سلفی‌گری افراطی)<sup>۱</sup> شروع شده است. سلفی‌گری به‌عنوان مؤلفه و فاکتوری به نسبت جدید در منطقه در پی نفوذ و گسترش در لایه‌های رسوب کرده، بومی شده و بعضاً منحرف شده عقاید مذهبی (دور شده از اصل به دلایل قطع ارتباط مسلمانان با مراکز جهان اسلام در دوره شوروی) مردمان منطقه و ایجاد عرصه کنشگری جدید برای خود

---

۱. سلفی‌ها جریانی هستند که قرائت رسمی شوروی، آن را وهابیت می‌خواند و اکنون نیز در روسیه به همین نام به منزله یک تهدید معرفی می‌شود. به دلیل آنکه برخی از کسانی که جذب مکتب وهابی شدند در فعالیت‌های خشونت‌بار درگیر شده‌اند و به دلیل آنکه مقام‌های روسی به همه مسلمانان درگیر در فعالیت‌های خشونت‌بار یا خواستار اجرای دقیق قواعد اسلامی، نام «وهابی» می‌دهند بسیاری از پژوهشگران خواستار استفاده نکردن از واژه وهابیت شده‌اند. وهابیان ترجیح می‌دهند، واژه‌های دیگری نظیر سلفیه یا سلفیان را برای هویت خود بکار برند (هاتر، تامس و ملیکیشویلی، ۱۳۹۱: ۱۶۲) سلفی‌گری مدعی اسلام ناب مبتنی بر قرآن و حدیث است، جنبشی با دامنه‌ای گسترده که از رویکردهای صلح‌طلبانه و غیرسیاسی تا رویکردهای سیاسی و مسلحانه را دربرمی‌گیرد. (فالکووسکی، ۲۰۱۶: ۲-۱) در این پژوهش سعی شده است به جای استفاده از عنوان «وهابی» از عنوان دقیق و نزدیک به واقعیت «سلفی‌گری افراطی» استفاده شود.

است. اقدامات تروریستی سلفی‌های افراطی در جمهوری آذربایجان در کنار تلاش علنی آن‌ها برای تبلیغ و ترویج عقاید خود در قالب‌های گوناگون در فضای مذهبی جمهوری آذربایجان اهمیت خاصی از منظرهای گوناگون به این پدیده بخشیده است. فقر گسترده در این کشور در کنار ارائه مشوق‌های گوناگون توسط جریان‌های سلفی با تکیه بر حمایت مالی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس فضای مساعدی برای گسترش این جریان‌ها ایجاد کرده است. سلفی‌گری پدیده‌ای است که با توجه به پویایی‌های درونی منطقه، تداوم بازی قدرت‌های منطقه‌ای در قفقاز جنوبی و عدم کامیابی دولت جمهوری آذربایجان در کنترل کامل بر فعالیت سلفی‌های افراطی در این کشور به‌منزله مسئله‌ای جدی در ابعاد ملی و منطقه‌ای در جمهوری آذربایجان پدیدار شده است. در شرایط حاضر دیگر تردیدی درباره ارتباط فرهنگی و مادی سلفی‌گری افراطی در جمهوری آذربایجان با حامیان افراط‌گرایی سلفی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی وجود ندارد. هدف این جریان‌ها زدودن عنصر فرهنگ ایرانی و مذهب شیعه از این کشور و تبدیل آن به پایگاه ضد ایرانی در جوار مرزهای ج.ا.ایران است.

هدف از این پژوهش شناخت نسبی از وضعیت فعالیت سلفی‌گری افراطی در جمهوری آذربایجان با تأکید بر مؤلفه‌های تاریخی، فرهنگی و سیاسی است. به لحاظ تاریخی و در دوران تاریخ معاصر فعالیت‌هایی که انجام شد و ارتباطاتی که مراکز سلفی‌گری در خاورمیانه با مراکز اسلامی در آسیای مرکزی و قفقاز برقرار کردند، آغاز شد و در برهه کنونی به دلایل سیاسی، رقابت‌های منطقه‌ای بین کشورها، سلفی‌گری افراطی و پان‌ترکیسم در جمهوری آذربایجان علیه ج.ا.ایران و مؤلفه‌های فرهنگی آن (زبان و مذهب) متحد شده‌اند. به همین دلیل اشاره‌های کوتاهی بر جریان پان‌ترکیسم و ارتباطات آن با نهادهای و کشورهای حامی سلفی‌گری افراطی خواهیم داشت. تغییر مذهبی و گسترش سلفی‌گری افراطی در سرزمینی که همواره در یک فرایند سینوسی بخشی از جهان ایرانی باقی مانده است برای حفظ و تداوم حضور فرهنگی ج.ا.ایران در این منطقه ضروری است. البته هرکدام از این هجوم‌ها تأثیرات خود را بر جای گذاشته اما نتوانسته به تمام اهداف خود دست یابد.

سلفی‌گری افراطی که به دلیل وجود زمینه‌های داخلی و انگیزه‌های سیاسی و رقابت منطقه‌ای عربستان با ج.ا.ایران و استقبال حاکمیت جمهوری آذربایجان برای ایجاد توازن داخلی بین شیعه و سنی وارد جمهوری آذربایجان شده است در حال جایگزینی و تضعیف مؤلفه‌های فرهنگی ج.ا.ایران (تشیع و زبان فارسی) در این جمهوری است.

## ۲. پیشینه‌شناسی پژوهش

هر چند رشد سلفی‌گری در دومین کشور شیعه جهان - به لحاظ اکثریت جمعت - می‌تواند تهدیدات عدیده‌ای متوجه جمهوری اسلامی ایران و جهان اسلام نماید؛ اما در کشور ایران ادبیات قابل توجهی در این خصوص تولید نشده است. تنها در حاشیه برخی موضوعات علمی، اشارات مختصری به بحث رشد سلفی‌گری افراطی در جمهوری آذربایجان شده است. در ابعاد منطقه‌ای با توجه به احساس تهدید روسیه از امنیت جمهوری‌های خود در قفقاز شمالی، ادبیات روسی قابل اعتنایی در خصوص فعالیت سلفی‌گری تولید و منتشر شده است. یکی از منابع معتبر که به صورت کلی به بحث حاضر پرداخته است، کتاب شیرین آکینر با عنوان «اقوام مسلمانان شوروی» (۱۳۶۶) است. در این کتاب که از پشتوانه نظری محکمی برخوردار است، ریشه‌های شکل‌گیری این جریانات نه تنها در قفقاز بلکه در آسیای مرکزی را توضیح می‌دهد. این اثر از آنجا که مربوط به دوران شوروی است می‌تواند در فهم پایگاه‌های اصلی و اهداف اولیه شکل‌گیری این جریان‌ها به مخاطب کمک نماید.

مقاله مهدی حسینی تقی‌آباد و علی کالیراد با عنوان «سلفی‌گری افراطی در قفقاز شمالی؛ با تاکید بر مولفه‌های تاریخی، فرهنگی و سیاسی» که در فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز (۱۳۹۴) منتشر شده است، اطلاعات جامعی در خصوص فعالیت جریان‌های مختلف سلفی‌گری در مناطق همجوار جمهور اسلامی ایران با تاکید بر پیشینه مبارزاتی اسلام در منطقه، تضعیف نهاد اسلام در دوره شوروی، تحول نقش‌های کنشگران مذهبی و ایران‌زدایی از قفقاز شمالی دارد. این مقاله هر چند بی‌ارتباط با موضوع مقاله حاضر نیست ولی تمرکز مکانی آن بر قفقاز شمالی است.

### ۳. چارچوب مفهومی - نظری

یکی از مهم‌ترین رهیافت‌ها در تحلیل شرایط و علت‌های پیدایش جنبش‌های اسلامی معاصر، رهیافت اجتماعی-سیاسی است. برای هرگونه بررسی جامع بنیادگرایی اسلامی معاصر باید در مورد ریشه‌های روانی، معنوی، سیاسی، اجتماعی و ظهور جنبش‌های مذهبی جست‌وجو کرد که خواستار از بین بردن نظم رسمی موجود و ساختن جامعه نوین بر پایه ایدئولوژی ویژه خود هستند. در نتیجه ایدئولوژی این جنبش‌ها هم جامع و هم غیرقابل انعطاف است؛ اما آیا دو گرایش وهابیت و سلفی به‌عنوان دو حرکت بنیادگرایی باید کنار هم قرار گیرند یا اینکه به‌صورت جداگانه آورده شوند؟ به نظر می‌رسد که این دو در شعار بازگشت به سلف مشترک هستند اما سلفیه نسبت محسوس‌تری با تجدد دارد؛ امری که حداقل در بخش نیروهای متصل به سلفیه به‌روشنی مشخص است. درحالی‌که در وهابیت به‌صورت دقیق یک نوع عقب‌ماندگی غیرمعقول داریم که نسبتش با تجدد هیچ همگونی ندارد (دکمجیان، ۱۳۷۷: ۲۵-۲۶).

#### ۳-۱. نظریه ادواری هرایر دکمجیان

هرایر دکمجیان، یکی از نظریه‌پردازان در مورد علل و دلایل ظهور جنبش‌ها و حرکت‌های اسلامی درصدد است تا یک نظریه جامع پیرامون علل و دلایل ظهور جنبش‌های اسلامی ارائه دهد. وی، تجربه تاریخی جوامع مسلمان، ویژگی‌های فکری اسلامی و اعتقادات مسلمانان را با استفاده از نظریات موجود متفکران سیاسی و جامعه‌شناسی غرب (مارکس وبر، دورکیم، مارکس و اریکسون) مورد تحلیل قرار می‌دهد و یک چارچوب مفهومی که به نظریه «ادواری» معروف شده است، ارائه می‌دهد.

دکمجیان با استفاده از دو مفهوم سقوط و رستاخیز چنین عنوان می‌کند که جنبش‌های رستاخیزی در تاریخ اسلام در واقع واکنش‌ها و پاسخ‌های مسلمانان به دوره‌های سقوط و انحطاط بوده است؛ یعنی در طول تاریخ جوامع مسلمان، در برابر هر سقوط و انحطاط یک جنبش فکری یا سیاسی رستاخیزی به وقوع پیوسته است که هدف آن احیای مجدد دین اسلام بوده است (زارع، ۱۳۸۳: ۸۴).

از این منظر وضعیت اجتماعی و مذهبی در جمهوری آذربایجان دچار دوگانگی شده و به سمت سقوط آگاهانه کشیده می‌شود. سیاست‌های حاکمیت جمهوری آذربایجان در قبال مؤلفه اسلامی در داخل و خارج این کشور تفاوت‌های عیان دارد. درحالی‌که دولت جمهوری آذربایجان کوشش دارد مناسبات خارجی خود را به‌منزله یک دولت سکولار و مایل به همکاری حداکثری با کلیه کشورهای دنیا، جدای از فاکتور مذهب سامان دهد و از مؤلفه اسلامی نیز در ارتباطات با کشورهای مسلمان بهره‌برداری کند اما در سیاست داخلی، کنشگری اسلامی شیعی را به‌منزله فعالیت نامطلوب ارزیابی کرده و در رویکردی مشابه با آنچه در دوره شوروی دیده می‌شد، درصدد حمایت از یک اسلام دولتی و هماهنگ با منویات خویش است. در چنین شرایطی جمعیت دارای خودآگاهی اسلامی جمهوری آذربایجان در وضعیت تحقیر هویتی از درون و بیرون هستند؛ و در تکاپوی هویت‌طلبی سیاسی خویش به‌سر می‌برند. زمانی که خواسته‌های دینی و مذهبی میانه‌رو در چارچوب‌ها و کانال‌های مشروع فرصت بروز و ظهور ندارند و به‌شدت سرکوب می‌شوند، جریان‌های افراطی مثل سلفی‌گری ظهور و بروز می‌یابند. از طرف دیگر، توده مردم مسلمان این کشور از زیر یوغ کمونیست‌ها رها شده و در جست‌وجوی هویت اصیل و تاریخی سرکوب شده خویش هستند. هویتی که مبنای آن نه تقلیدگرایانه و فقط براساس یک مؤلفه (زبان) بلکه ریشه در همهٔ ابعاد فرهنگ و سنن این مردم در گستره تاریخ دارد. این موارد را می‌توان با نظریه کمیجان تحلیل کرد ولی استفاده ابزاری از این خواست و گرایش مردمی توسط کنشگران خارجی جهت رسیدن به اهداف خود را باید با نظریه‌های دیگری تحلیل کرد. دراین راستا باید یک نظریه گلچینی (ترکیبی) برای این منظور انتخاب کرد که در این مقاله به دلیل محدودیت، امکان چنین انتخابی نیست.

#### ۴. روش‌شناسی پژوهش

از آنجایی که تلاش نگارندگان بر این است نکته‌هایی جهت کمک به تصمیم‌گیری در خصوص موضوع ارائه دهند، نوع پژوهش کاربردی است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی

است. سعی شده با استفاده از منابع کتابخانه‌ای از جمله منابع مکتوب شامل کتاب، مقاله و منابع اینترنتی به موضوع پرداخته شود.

## ۵. یافته‌های پژوهش و تجزیه و تحلیل داده‌ها

### ۵-۱. ورود اسلام به قفقاز

توسعه اسلام در مناطق مورد بحث ما از قرن اول هجری شروع شد. در این ایام در زمان خلفای مدینه، لشکرهای عرب به مناطق شرقی ماورای قفقاز (آلبانی قفقاز که در آن زمان اکثراً مسیحی و مزدایی بودند) رخنه کردند. در ۶۴۲ م ۲۲ قمری اعراب آذربایجان و در ۶۶-۶۵ ق نیز دربند را فتح کردند که تا قرن‌ها بعد منتهی‌الیه شرقی مرزهای اسلام را در برابر ایلات ترک تشکیل می‌داد. قفقاز شرقی تا سال‌ها بعد یعنی تا زمان کشورگشایی روس‌ها در قرن نوزدهم، بخش پیوسته از تاریخ خلافت و جهان ایرانی باقی ماند و در طول قرون و اعصار مناطق مسلمان‌نشین آسیای میانه و قفقاز ولگا و قرم با دیگر نقاط جهان اسلام ارتباطی پیوسته داشته و از تاریخ و فرهنگی همانند برخوردار بودند و به زبانی مشابه سخن می‌گفتند و می‌نوشتند؛ حتی کشورگشایی روس‌ها هم از میانه قرن شانزدهم میلادی به بعد نتوانست در این وضع تفاوت بنیادی حاصل کند. در ۱۹۱۷ باکو و سمرقند به تبریز و اصفهان نزدیک‌تر بودند تا مسکو، پتر و گراد (شافر، ۲۰۰۰: ۱۹).

در خلال قرون متمادی، اشکال متعددی از اسلام بر آذربایجان سیطره داشته است؛ اندیشه سنی را خلفای عباسی و سلجوقیان که از صفحات شمالی امپراتوری اسلام ظهور کردند، در ایران گسترش بخشیدند. در همین ایام، فرقه‌های صوفیه نیز در منطقه قدرت یافتند که نقش مهمی در همگرایی قومی داشتند. با حمله مغول‌ها هرچند اوضاع مسلمانان بسیار وخیم گردید اما بعد از اینکه قازان خان مغول در قرن سیزدهم میلادی به اسلام روی آورد، اسلام را با شور و تعصب خاصی گسترش بخشید. در دوره حکومت ایلخانان مغول، مذهب غالب در جمهوری آذربایجان کنونی، مذهب شافعی یا مکتب فقهی اسلامی سنی بود (زارع، ۱۳۸۳: ۹۴).

مذهب تشیع در سرزمین آذربایجان همزمان با ایران در دوره صفویه گسترش یافت. در واقع صفوی‌ها از دل حلقه‌های صوفیانه برآمدند. این سلسله در اواخر قرن سیزدهم میلادی تأسیس گردید. سلسله صفوی که ریشه بومی داشته و از منطقه اردبیل برخاسته بودند در اوایل قرن شانزدهم میلادی، سنگ بنای دولت در ایران را بنیان نهادند و شیعه را به‌عنوان مذهب رسمی کشور ایران اعلام کردند. از آن تاریخ تشیع در جمهوری آذربایجان کنونی به‌صورت مذهب اکثریت مردم درآمد (خلیجی و مجیدی، ۱۳۸۸: ۳۹).

### ۱-۱-۵. اسلام در قفقاز در دوران حاکمیت شوروی

مسلمانان شوروی تا سال‌های آخر دهه ۱۹۶۰ در پس یک پرده رخنه‌ناپذیر آهنین زندگی می‌کردند البته پس از پایان جنگ دوم پاره‌ای از نورچشمی‌های مرکز روحانی اوفا با احتیاط تمام به سفر حج اعزام شدند؛ و پاره‌ای از شخصیت‌های شیعی باکو نیز از اماکن مقدس در مشهد و قم زیارت کردند. با این‌وجود تا سال‌های دهه ۱۹۶۰ ارتباط میان مسلمان‌های شوروی و جهان اسلام بسیار محدود و منقطع و در سطح نخبگی بود (کرنل، ۲۰۱۱: ۷۰).

در دوره بعد از خروشچف مقامات مسکو پرده آهنین را که آسیای مرکزی و قفقاز را سالیان دراز از مراکز مهم اسلامی همچون قم، نجف، مکه و مدینه دور نگه داشته بود، به‌تدریج بالا زدند. از این تاریخ به بعد شوروی از رهبران مسلمان خود به‌عنوان سفرای سیار و سخنگویان دستگاه در جهان اسلام استفاده کردند. این اقدامات جرعه اولین ارتباطات بین مسلمانان شوروی و جهان اسلام را زد. هدف شوروی نمایاندن دستاوردهای اقتصادی کمونیسم در آسیای مرکزی و قفقاز به جهان اسلام بود؛ و جلب اعتماد مسلمانان جهان اسلام به شوروی. برای مسلمانان همکاری با حکام جور مسکو مصلحتی بود. اتحاد شوروی برخلاف روسیه تزاری سیاست آگاهانه توأم با احتیاط برای استفاده از اسلام در پیش گرفت. اسلام یک از ابزارهای مهم برای برقراری ارتباط با دولت‌های محافظه‌کار طرفدار غرب چون عربستان سعودی اردن مراکش سودان که هنوز دیپلمات‌های شوروی را به آن‌ها راهی نبود درآمدند (هانتز، ۱۳۹۱: ۱۷۵).



بنابراین اتحاد شوروی برخلاف روسیه تزاری، سیاست آگاهانه برای استفاده از اسلام بخاطر مقاصد خود در پیش گرفت. در این میان مراکز چهارگانه مسلمانان شوروی از جمله باکو یکی از مؤثرترین ابزارهای شوروی در برقراری ارتباط با دولت‌های محافظه‌کار عرب خاورمیانه بود.

این ارتباطات به دو شکل صورت گرفت. دیدارها و کنفرانس‌هایی که در شوروی صورت می‌گرفت؛ و دیدارهای مفتی‌های شوروی از کشورهای خارجی. هیئت‌های خارجی کشورهای مسلمان (اهل سنت) که برای کنفرانس‌های بین‌المللی یا دیدارهای دوستانه در به شوروی می‌رفتند از مسلمان‌های شوروی دیدار می‌کردند. اغلب این دیدارها به دعوت مفتی اعظم تاشکند، ضیاءالدین باباخانوف آغاز می‌شد و پس از دیدار از مراکز مذهبی این شهر از جمله مدرسه میرعرب<sup>۱</sup> و در بخارا و امام اسماعیل البخاری در تاشکند به باکو می‌رفتند. در باکو مهمانان در مسجد تازه پیر<sup>۲</sup> با شیخ‌الاسلام دیدار می‌کردند. همه این هیئت‌ها که در سال‌های مختلف از باکو دیدار کردند، پیرو مذهب اهل سنت بودند. برخی از هیئت‌هایی که از باکو دیدار کردند عبارت‌اند از: جمعیت علمای اسلام پاکستان، انجمن مسلمان‌های جوان مصر، هیئتی از مسلمان‌های سنگاپور در سال ۱۹۷۴، عبدالرزاق محمد معاون نخست‌وزیر موریس، هیئتی از علمای سومالی در سال ۱۹۷۵، هیئتی از علمای افغان تحت سرپرستی وزیر امور دینی افغانستان در سال ۱۹۷۶ و در ۱۹۷۸ هیئتی از علمای ترکیه، یک هیئت پاکستانی به سرپرستی کنفرانس جهانی اسلام و همچنین یک هیئت اردنی (بنیگسن، ۱۳۷۰: ۱۷۷).

هدف شوروی القا تصور رونق اسلام در شوروی و معزز بودن رهبران مسلمان در این کشور به کشورهای جهان اسلام بود که همین سیاست موجب شروع ارتباطات بین کشورهای اسلامی حامی سلفی‌گری افراطی با شهرها و مراکز اسلامی و شیعی در باکو شد. هدف این کشورها از این ارتباطات که به‌ویژه در باکو گسترش اهل سنت در برابر اهل تشیع در این فرصت به وجود آمده بود که کتاب‌ها و وسایل زیادی به مساجد مراکز

---

1. Mirarab

2. Tazepir

اسلامی اهدا شد. اسلام شیعی در اتحاد شوروی حدود ۴ میلیون پیرو داشت که ۷۰ درصد آن‌ها آذری و باقی به‌صورت گروه‌های کوچکی در آسیای میانه پراکنده بودند. در سال ۱۹۷۹ در کشاکش انقلاب اسلامی ایران کل جمعیت جمهوری آذربایجان شوروی ۵/۵ میلیون بود (آکینر، ۱۳۶۶: ۶۵).

یکی از علل گسترش سلفی‌گری افراطی در میان شیعیان حاکمیت شصت‌ساله شوروی بر این مناطق و کم‌رنگ‌تر شدن اختلاف عقیدتی میان شیعیان و اهل تسنن در اثر عدم آگاهی صورت می‌گیرد. مسلمان‌های روسیه در آستانه گام نهادن به دوران معاصر (که در روسیه تقریباً با عصر سلطنت کاترین دوم مصادف بود) از یک توسعه و تحول اقتصادی چشمگیر برخوردار بودند. جوامع بازرگانی تاتار و لگا که دادوستد روسیه و چین و آسیای میانه را در دست داشتند از رونق و ثروت چشمگیری برخوردار بودند؛ ولی از لحاظ دیدگاه و اندیشه از سستی‌ترین و محافظه‌کارترین مجامع اسلامی جهان به‌شمار می‌رفتند؛ و درصدد بودند که اسلام روسیه را از جریانات اصلاح‌طلبی که نخست در اواخر قرن هجدهم در جهان اسلام پدیدار شد مانند حرکت‌هایی چون تلاش وهابی‌ها برای کشف مجدد خلوص اولیه عصر طلایی خلفای راشدین، دور نگه دارند. دایره افتا که به دستور کاترین دوم تأسیس شد و بعداً دفتر روحانی مسلمین نیز به آن اضافه شد تا زمان انقلاب منحصرراً در دست محافظه‌کارترین عناصر تاتار بود که در عین وفاداری و تبعیت از سن‌پترزبورگ با نفوذ هرگونه جهان‌بینی تجددخواه و اصلاح‌طلبانه مبارزه می‌کردند (حیات، ۲۰۰۸: ۳۵).

با تلاش علمای تاتار منطقه ولگا وسطی تلاش‌هایی برای وهابی‌گری شروع شد. اولین شخصیتی که در این مورد اقدام کرد ابونصر کرسوی<sup>۲</sup> (۱۷۸۳-۱۸۱۴) بود که در مدارس بخارا تدریس می‌کرد. وی توسط مفتی اورنبورگ به بی‌تقوایی متهم شد و به‌ناچار به استانبول رفت و در آنجا درگذشت. راه وی را شهاب‌الدین مرجانی<sup>۳</sup> (۱۸۱۸-۱۸۸۹) ادامه

1. Heyat
2. abuNasr Kursavi
3. Shihabeddin Marjani

داد. مرجانی نیز مانند اسلاف وهابی خود بر این باور بود که فلاح و رستگاری جهان اسلام در رجعت به خلوص اولیه اسلام نهفته است. او تأثیر عمیقی بر اسلام در جمهوری‌های شوروی گذاشت. گروهی از تاتار و قفقاز افکار وی را مورد توجه قرار دادند (آکینر، ۱۳۷۰: ۱۲۳)

این فعالیت‌ها روحانیت اسلامی در روسیه را به دو جناح تقسیم کرد؛ روحانیت محافظه‌کار طرفدار حکومت و وهابی‌های اصلاح‌طلب مخالف سلطنت تزار و طرفدار بورژوازی انقلابی روس. با وقوع انقلاب و جنگ داخلی محافظه‌کارها قربانی این دگرگونی‌ها شده و جدیدهای اصلاح‌طلب (وهابی) که اکثراً هوادار سوسیالیست‌های دست‌راستی منشویک‌ها و سوسیالیست‌های انقلابی بودند از این وضعیت شگفت‌زده بودند. برخی از این‌ها هم مثل موسی جارالله بیگی طرفدار بلشویک‌ها (به اصطلاح ملایان سرخ) بودند؛ اما اکثریت وهابی‌ها بی‌طرفی را ارجح دانستند (بنیگسن، ۱۳۷۰: ۱۲۵).

## ۲-۱-۵. گورباچف و تأثیر کلاس‌نوست و پروستریکا در مورد اسلام

هرچند اتفاق نظر در مورد گرایش‌های ضد دینی گورباچف وجود ندارد عده‌ای معتقدند وی همانند دیگر رهبران شوروی نبرد ضد دینی را ادامه داد و گسترش دین را عامل ناکامی برنامه‌های حزب کمونیست عنوان می‌کرد ولی به چند دلیل بعد از شروع برنامه اصلاحات گورباچف شاهد گشایش و آزادی بیشتر مسلمانان در جمهوری شوروی هستیم. یک سال پس از اجرای رسمی گلاس‌نوست و پروستریکا در سال ۱۹۸۸ به دلیل همراهی گروه‌ها و شخصیت‌های دموکراتیک‌تر برای کسب موفقیت‌های اقتصادی در حوزه‌های دین و معنویت نیز فضا کمی بازتر شد؛ البته نباید از نظر دور داشت که از سال ۱۹۸۶ شماری از روشنفکران و اعضای روحانیت بیشتر مسیحیان ارتودوکس دفاع از دین یا به سخن دیگر انتقاد از سیاست‌های دینی اتحاد شوروی را آغاز کرده بودند (حیات، ۲۰۰۸: ۴۶).

دو عامل در تغییر ماهیت نگرش به موضوع‌های دینی و چگونگی برخورد با آن‌ها از سوی گورباچف سهیم بود. یک: گورباچف از اعطای آزادی دینی به مثابه ابزاری برای جلب حمایت از برنامه‌های اصلاحی‌اش استفاده می‌کرد. دو: به تصورها و تعهدهای موجود در سیاست‌ خارجی حساس بود؛ از این‌رو برای بهبود وجهه شوروی در عرصه روابط

بین‌الملل تلاش کرد. از طرفی شوروی قرارداد نهایی هلسینکی را امضا کرده بود. بند ۱۶ این قرارداد بر آزادی دینی تأکید داشت که گورباچف را محدود می‌کرد. قانون آزادی آیین‌های دینی در ۱۱ اکتبر ۱۹۹۰ تصویب شد البته مسلمانان آخرین کسانی بودند که از نتایج حاصل از مصوبه‌های این قانون بهره‌مند شدند (هانتر، ۱۳۹۱: ۹۳).

هرچند هدف گورباچف از اصلاحات اقتصادی و سیاسی به خطر انداختن حیات شوروی نبود ولی از آزادی‌های برآمده از گلاسنوست برای گسترش باورهای قومی و دینی استفاده می‌شد ولی باوجود این در سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۱ جنبش‌های اسلامی و مسلمانان شوروی در صف جنبش‌های جدایی طلب قرار نگرفته بودند. به چند دلیل روند اصلاحات گورباچف به احیای حرکت‌های اسلامی در شوروی منجر شد:

(۱) برطرف شدن محدودیت‌ها بر سر بیان احساسات دینی و شرکت در فعالیت‌های

دینی؛

(۲) برطرف شدن موانع ارتباط مسلمانان شوروی با دیگر نقاط جهان اسلام؛

(۳) رشد جریان‌ها، نهادها و افزایش نمایندگان مسلمانی که به‌ویژه از ترکیه، عربستان سعودی و پاکستان راهی شوروی شده بودند. نمونه بارز این ارتباط ارسال یک میلیون نسخه قرآن از سوی ملک فهد، شاه عربستان سعودی به آسیای مرکزی و قفقاز بود. در اواخر دوره شوروی و پس از فروپاشی همچون سال ۱۹۱۷ اسلام سنتی تنها عنصر آگاهی‌بخش قومی و فرهنگی به مسلمانان شوروی نبود؛ از یک‌طرف نسخه دیگری از اسلام در حال رشد بود و از طرفی باورهای ملی‌گرایانه و فراملی‌گرایانه و پان‌ترکی و پان‌اسلامی هم رشد کردند. این‌ها در برخی موارد به تأثیر بر یکدیگر گرایش داشتند و در برخی مواقع موجب دودستگی و رقابت با یکدیگر بودند. در جمهوری آذربایجان پان‌ترکیست‌ها با اسلام‌گراها تقابل داشتند. جبهه مردمی آذربایجان به‌منزله یکی از گروه‌های ایجاد شده پس از پروستریکا ایدئولوژی غیردینی حتی ضد دینی داشت (آلتای، ۲۰۲۱: ۲-۴).

## ۲-۵. سلفی‌گری افراطی در جمهوری آذربایجان پس از استقلال

با گذشت ربع قرن از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تحولات بسیار در منطقه قفقاز جنوبی همچنان جریان‌های سلفی چه در سطح فعالیت‌های مخرب درخصوص مساجد شیعیان و درگیری‌های فیزیکی و چه در قالب تکاپوهای تبلیغی و اشاعه آرمان‌ها و اندیشه در سطح کشور جمهوری آذربایجان به حیات خود ادامه داده‌اند. فراتر از آن با وجود ممانعت‌ها، سلفی‌گری در حال حاضر رو به گسترش‌ترین گرایش اسلامی در قفقاز و در میان مهاجران قفقازی است و همه نشانه‌ها دال بر تداوم این سیر است (فالكوسکی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶: ۴). پژوهش در مورد مؤلفه‌های مؤثر در پدید آمدن این شرایط، یکی از مباحث اصلی در پژوهش‌ها در حوزه قفقاز جنوبی را تشکیل می‌دهد. بعد از فروپاشی شوروی جریان‌های اسلام‌گرا در جمهوری آذربایجان هنوز در بستری طبیعی و منطقی شکل نگرفته‌اند و همواره با محیط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خویش درگیرند (فلاح، ۱۳۹۰: ۴۵) جریان‌های اسلامی جمهوری آذربایجان (شیعه و سنی) هنوز نتوانسته‌اند الگویی از مناسبات سیاسی را به نمایش بگذارند که در آن ارزش‌های اسلامی با اولویت‌های ملی هماهنگی یابد. به همین علت بسیاری از ناظران داخلی و خارجی جریان‌های اسلامی آذربایجان را پدیده‌ای خارج از فضای هویتی آذربایجان تفسیر می‌کنند.

جریان‌های اسلامی سنی مذهب آذربایجان، با اینکه در ظاهر چهره سلفی به خود گرفته‌اند، در عمل رادیکالیسم را پیشه کرده‌اند و بخشی از آن‌ها دست به اقدامات تروریستی به‌عنوان راهبرد مبارزاتی و حتی فعالیت سیاسی می‌زنند (حق‌جو، ۱۳۸۳: ۱۰۹). همان‌طور که در بخش نظری اشاره شد بخشی از این واکنش افراطی مذهبی را می‌توان در چارچوب سقوط و انحطاط مذهبی در داخل جمهوری آذربایجان تبیین کرد.

رادیکالیسم اسلامی در قالب سلفی‌گری افراطی اندیشه بومی در جمهوری آذربایجان نیست بلکه این تفکر قبل و بعد از استقلال از خارج از مرزهای این کشور وارد شده است. امروزه حدود ۱۰ الی ۱۵ هزار نفر سلفی در باکو و شهرهای شمالی (سنی‌نشین) آذربایجان

به‌خصوص در نواحی مرزی داغستان و چچن زندگی می‌کنند (اولکوت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷: ۱۳). در شهرهای باکو، خاچمار و سایر شهرک‌های شمال آذربایجان تعداد کسانی که به سلفی‌گری ایمان آورده‌اند، قابل توجه است؛ و براحتی می‌توان سلفی‌های این منطقه را از شلوار کوتاه (قیصا تنبان) و ریش‌های بلندشان تشخیص داد. سلفی‌ها علاوه بر اینکه با شیعیان مشکل عقیدتی جدی دارند با پیوند دادن ایدئولوژی خود به جهاد جهانی اسلام، در جمهوری آذربایجان هم مرتکب عملیات تروریستی شدند و هم در جذب جوانان آذری برای اعزام به افغانستان، چچن، عراق و سوریه نقش جدی داشتند.

در گسترش سلفی‌گری در جمهوری آذربایجان بعد از استقلال چند عامل نقش جدی داشته است: نخست، هم‌مرزی با قفقاز شمالی و حضور فعال سلفی‌ها در آن منطقه؛ سلفی‌ها از دهه ۱۹۸۰ در چچن حضور پررنگی دارند. آن‌ها در روستاهای کاراماکسی<sup>۲</sup> و چوبان ماخی<sup>۳</sup> داغستان توانسته‌اند آموزه‌های دینی سلفی/وهابی‌گری را اشاعه دهند. آن‌ها به دلیل جنگ و شرایط دشوار جنگی نتوانستند در چچن و داغستان بمانند و در نتیجه، فعالیت‌هایشان را در نواحی اطراف، از جمله جمهوری آذربایجان گسترش دادند. در دهه ۱۹۹۰ که جمهوری آذربایجان را جایگاهی راهبردی برای خود یافتند، به علت مقاومت ملی‌گرایی آذری با ناکامی مواجه شدند، ولی وقوع و تشدید جنگ قره‌باغ و آشفته‌گی حاصل از جنگ، زمینه را برای رشد سلفی‌گری در آذربایجان فراهم کرد. دومین موج گسترش سلفی‌ها به آغاز سال ۱۹۹۸ بازمی‌گردد که با جنگ دوم چچن-روسیه مصادف بوده است. در این جنگ، چچنی‌ها به علت محاصره، به گرجستان و جمهوری آذربایجان پناه بردند. در سال ۲۰۰۰-۱۹۹۹ بر اساس آمار، هشت هزار پناهنده چچنی مورد تعقیب به آذربایجان آمدند (خلیجی و مجیدی، ۱۳۸۸: ۱۸).

اما مهم‌ترین عامل در تسریع و قدرتمند شدن گروه‌های سلفی در جمهوری آذربایجان، نفوذ کشورهای عربی در حوزه دینی آذربایجان و حمایت از سلفی‌گری افراطی است. آن‌ها

1 . Olcott

2 . karamaxi

3 . choban makhi

علاوه بر کادرسازی در بین سنی‌مذهب‌های جمهوری آذربایجان، از نظر مالی هم سلفی‌ها را تقویت کردند؛ به‌گونه‌ای که در سال ۲۰۰۳ سلفی‌های آذربایجان ۶۵ مسجد در اختیار داشتند و در سال ۲۰۱۲ بر این تعداد افزوده شده است و به حدود ۸۵ مسجد رسیده است. یکی از مساجد بزرگ سلفی در این کشور مسجد «ابوبکر» است که در سال ۱۹۹۷ توسط شاخه آذری «احیای اجتماع کویتی میراث اسلامی» ساخته شد. این مسجد یکی از مساجد موفق در آذربایجان است که در نماز جمعه‌های آن بیش از پنج هزار نفر شرکت می‌کنند. امام جماعت این مسجد «قامت سلیمانف»، تحصیل‌کرده دانشگاه اسلامی در مدینه (یکی از مراکز مهم آموزش سلفی‌گری در عربستان) است. قامت سلیمانف با حمایت کشورهای عربی در رقابت جدی با جریان‌های شیعی، به‌خصوص مسجد جمعه و شخص ایلقار ابراهیم است (عباس‌اف<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲: ۱۲).

در سال‌های اخیر برخی پیروان قامت سلیمانف در اعتراض به محافظه‌کاری زیاد وی در برابر حاکمیت جمهوری آذربایجان در مقابل او موضع‌گیری کردند؛ برای خود امیری انتخاب کردند و در شمال جمهوری آذربایجان به‌صورت رادیکال با ایجاد گروه‌های مسلح (مانند برادران جنگل) به فعالیت می‌پردازند. معاون وزیر امنیت ملی جمهوری آذربایجان اعلام کرد، بیش از سیصد آذری در مراکز وهابی در داغستان آموزش دیده‌اند. وی ضمن اشاره به نقش برخی کشورهای عربی در گسترش و نفوذ سلفی‌گری افراطی در جمهوری آذربایجان، سه مرحله را در فعالیت وهابی‌ها در آذربایجان مؤثر دانسته است: اول، گسترش ادبیات وهابی و تهیه منابع مالی برای فعالیت‌های مذهبی و سیاسی آن‌ها. دوم آموزش فعالان. سوم، بسیج نیروها برای اهداف سیاسی و بی‌ثباتی دولت (ولی‌یف<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵: ۱۲).

بنابراین بعد از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۱، این کشور به آماج جنبش‌های مذهبی که به دنبال نفوذ و گسترش خود بودند، تبدیل شد. مبلغان این گروه‌های تندرو از کشورهای عربی خاورمیانه، از ترکیه و همچنین به‌صورت فردی از قفقاز شمالی برای تغییر مذهب مردم این کشور سرازیر شدند که برخی از آن افراد

با گروه‌های شبکه‌های نظامی اسلامی مثل القاعده مرتبط بودند. از بین همه این گروه‌ها و افراد تنها افرادی که از ترکیه آمده بودند توانستند بلندمدت با کمترین محدودیت و زیرساختی در جمهوری آذربایجان فعالیت کنند. هرچند در نهایت به دلیل مسائل داخلی ترکیه و بروز اختلاف بین دولت ترکیه و جریان فتح‌الله گولن محدودیت‌هایی برای این گروه هم ایجاد شد که در ادامه به صورت جداگانه به این مسائل خواهیم پرداخت.

عامل مهم دیگری که در گسترش سلفی‌گری و به تبع آن سلفی‌گری افراطی در جمهوری آذربایجان مهم بود، ضعف دولت این کشور بعد از استقلال، بروز تنش‌ها و رقابت‌های سیاسی داخلی و مناقشه قراباغ بود که از کنترل دولت بر گروه‌های فعال در جامعه می‌کاست و موجب ایجاد فضایی مساعد برای یارگیری فعالان مذهبی اعم از سنی و شیعی در این کشور شد. بنابراین ضعف دولت یکی از عوامل توجه بنیادگرایان اسلامی و گروه‌های افراطی به جمهوری آذربایجان و گسترش نفوذ آن‌ها در این کشور به‌ویژه در باکو و در شهرهای شمالی این کشور شد. در همین سال‌ها گروه‌های افراطی توانستند شبکه‌های عملیاتی و تبلیغی خود را ایجاد کرده و برای بهره‌برداری‌های بعدی آماده کنند. در ادامه به صورت موردی به بررسی اقدامات برخی کنشگران خارجی در بعد فرهنگی و مذهبی جمهوری آذربایجان می‌پردازیم.

### ۳-۵. ترکیه و گسترش پیروان اهل سنت<sup>۱</sup> در جمهوری آذربایجان

ترکیه، یکی از مؤثرترین کشورها در زمینه فعالیت مذهبی در جمهوری آذربایجان است. روابط بسیار گسترده ترکیه و آذربایجان باعث شد که اسلام‌گرایان ترکیه محیط سیاسی-اجتماعی و فرهنگی این کشور را برای فعالیت مناسب ببینند. این تلاش‌ها بعد از به قدرت

۱. از عنوان گسترش پیروان اهل سنت استفاده شده است چراکه ترکیه به صورت مستقیم درصد ترویج سلفی‌گری در جمهوری آذربایجان نبود ولی در اثر اقدامات ترکیه برخی شیعیان اسمی نیز به اهل سنت گردیدند و پذیرش مذهب سنی برای برخی از این افراد زمینه‌ساز گرایش به سلفی‌گری افراطی تحت‌تأثیر فعالیت دیگر کشورها شده است البته در طول جنگ دوم قراباغ و بعد از آن تلاش ترکیه برای انتقال نیروهای تکفیری از سوریه به مناطق آزاد شده قراباغ و لنکران جمهوری آذربایجان اقداماتی در راستای استفاده از سلاح افراط‌گرایی مذهبی علیه جمهوری اسلامی ایران بوده است.



رسیدن اسلام‌گراها (حزب عدالت و توسعه) بیشتر شده است. تأسیس دانشکده الهیات در دانشگاه دولتی باکو با کمک دولت ترکیه از مصادیق این اثرگذاری است (واحدی، ۱۳۸۶: ۹۸). در باکو محل تمرکز فعالیت شهروندان سنی مذهب مورد حمایت ترکیه مسجد تاریخی اژدربیگ و مسجد قره قارایف در کنار ایستگاه مترو به همین نام در باکو است (کرنل، ۲۰۰۶: ۴۹).

نکته حائز اهمیت در رویکرد ترکیه نسبت به گسترش اسلام در جمهوری آذربایجان این است که ترکیه برخلاف ج.ا.ایران و کشورهای عربی در هماهنگی کامل با دولت جمهوری آذربایجان اهداف مذهبی خود را پیش می‌برد. دولت ترکیه از فعالیت‌های وزارت امور دیانت خود در جمهوری آذربایجان حمایت می‌کرد و این وزارت‌خانه در هماهنگی با جنبش نورچی‌ها به رهبری فتح‌الله گولن اهداف خود را در خارج از ترکیه به‌ویژه در آسیای مرکزی و قفقاز پیش می‌بردند. دولت ترکیه چندین مسجد در جمهوری آذربایجان بنا کرد و از دانشکده الهیات دانشگاه دولتی باکو حمایت مالی و علمی کرد. اسلامی که در مساجد و مدارس مورد حمایت ترکیه در جمهوری آذربایجان تدریس و تبلیغ می‌شد، اسلام سنی حنفی بود که بیشتر بر مسائل اخلاقی و شخصی تأکید دارد و از مداخله در مسائل سیاسی دوری می‌کند (حیات، ۲۰۰۸: ۳).

عدم مداخله در امور سیاسی یکی از کلیدی‌ترین مؤلفه‌های موفقیت اسلام روایت ترکیه‌ای در جمهوری آذربایجان است. همچنین اهل سنت مورد حمایت ترکیه در جمهوری آذربایجان نسبت به ج.ا.ایران دیدی بسیار منفی دارند و اظهارات ضد شیعی زیادی را مطرح می‌کنند. این مسئله نیز مورد استقبال دولت جمهوری آذربایجان است. بیشترین نفوذ در مسئولیت‌های دولتی را هم اهل سنت مورد حمایت ترکیه در جمهوری آذربایجان بدست آورده است؛ آن‌ها در وزارتخانه‌های مختلف جمهوری آذربایجان و در پارلمان این کشور نماینده غیررسمی دارند. یکی از مهم‌ترین چهره‌های این حوزه فاضل مصطفی، نماینده مجلس ملی جمهوری آذربایجان است که به شدت رویکرد ضد ج.ا.ایران دارد.

#### ۴-۵. کشورهای عربی خاورمیانه و توسعه سلفی‌گری افراطی در جمهوری آذربایجان

کشورهای حاشیه خلیج فارس و عربستان سعودی سرمایه‌های خود را برای اسلامی کردن قفقاز به روایت خودشان از طریق ارسال مبلغین مذهبی، تهیه منابع اسلامی موردنیاز مساجد و دانشکده‌های الهیات جمهوری آذربایجان، بنای مساجد جدید و تعمیر مساجد مخروبه اهل سنت و آموزش طلاب آذری در دانشگاه‌های کشورهای عربی اقدام می‌کنند. عربستان سعودی در گسترش سلفی‌گری افراطی در قفقاز شمالی و همچنین در جمهوری آذربایجان از طریق مهاجرین چچنی و مهاجرین عرب رادیکال در طول جنگ چچن در دهه ۱۹۹۰ میلادی نقش داشت. مهم‌ترین مرکز وهابی‌گری در جمهوری آذربایجان مسجد ابوبکر در باکو است که توسط انجمن کویته‌ها در سال ۱۹۹۷ در این کشور تأسیس شد. بیشتر از ده هزار نفر (در برخی منابع سه هزار ذکر شده است) به صورت ثابت هر جمعه در نماز جمعه این مسجد شرکت می‌کنند. نکته حائز اهمیت در این مورد شمار زیاد جوانان با تحصیلات مذهبی در بین این نمازگزاران است که زمینه حرکت‌های افراطی زیادی دارند و گوش به فرمان رهبری مذهبی مسجد هستند. در بین این نمازگزاران تعداد کمی فقیر و بی‌سواد وجود دارد. در این‌ها نیز زمینه‌های زیادی برای گرایش به سمت سلفی‌گری افراطی وجود دارد البته آن‌ها خود را وهابی نمی‌خوانند و از عنوان سلفی برای خود استفاده می‌کنند (حیات، ۲۰۰۸: ۵). به دلیل کمک‌های مالی کشورهای عربی، کمترین آمار بیکاری در جمهوری آذربایجان بین جوانان سلفی است.

اقدامات تبلیغی در مساجد و مراکز آموزشی، حضور فعال در زمینه چاپ و توزیع کتاب، جذب طلاب علوم دینی و اعطای بورس به متقاضیان و علاقه‌مندان تحصیل در دانشگاه‌های عربستان و برخی دیگر از کشورهای عربی، برپایی کلاس‌های قرآن، انجام امور تجاری همراه با تبلیغ وهابیت، ورود در برخی ادارات و مشاغل حساس از قبیل مراکز نظامی و نیز در اختیار گرفتن مشاغلی که در ارتباط مستقیم با مردم باشند از جمله اقدامات جریان وهابیت در جمهوری آذربایجان است (کرنل، ۲۰۰۶: ۵۴).

## ۵-۵. گروه‌های سلفی - وهابی در جمهوری آذربایجان

### ۵-۵-۱. سازمان الجهاد

یکی از اولین سازمان‌های بین‌المللی تروریستی که در جمهوری آذربایجان بعد از استقلال حضور پیدا کرده و عملیات کرد، سازمان «الجهاد» بود که بعدها به القاعده پیوست. گروه نظامی اسلامی الجهاد، گروه تندرو مصری بود که در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی در مصر تشکیل شد. ارتباطات زیادی بین این گروه و القاعده برقرار بود که در نهایت در ژوئن سال ۲۰۰۱ به القاعده پیوستند. ابراهیم ایداروس<sup>۱</sup> شهروند مصری بود که شاخه آذربایجانی آن را در سال ۱۹۹۵ تأسیس کرد و تا سال ۱۹۹۷ آن را رهبری نمود. او زمانی که به لندن سفر کرد در آنجا دستگیر شد. یک ساعت قبل از بمب‌گذاری سفارت آمریکا در دارالسلام و نایروبی در سال ۱۹۹۸ توسط القاعده فکس مبنی بر پذیرش مسئولیت آن بمب‌گذاری به شاخه القاعده در لندن از یک تلفن در باکو ارسال شده بود. یک سال بعد از این ماجرا نیروی‌های امنیتی آمریکا سیا احمد سلام مبارک، رئیس گروه نظامی الجهاد را زمانی که از جمهوری آذربایجان به مصر سفر می‌کرد، دستگیر کردند (گلوبالسیکوریت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷). بعد از آن اقدامی از این گروه منتشر نشد.

### ۵-۵-۲. شاخه آذربایجانی حزب التحریر

اولین فعالیت‌های ثبت شده حزب التحریر در جمهوری آذربایجان طبق اسناد موجود در اوایل سال ۲۰۰۰ ثبت شده است. این حزب در این سال از راه قفقاز شمالی وارد شمال جمهوری آذربایجان شد. رهبری این گروه را «عبدالرسول عبدالکریم اف» (عبدالله) به عهده داشت. وی در ماه آگوست سال ۲۰۰۱ شاخه آذری حزب التحریر را بنیان نهاد. در اواخر همان سال این گروه غیرقانونی اعلام شده و هر شش عضو آن (پنج شهروند آذری و یک شهروند ازبکی) به اتهام تلاش برای تغییر نظام حکومتی سکولار دولت و برنامه‌ریزی برای بمب‌گذاری در سفارتخانه کشورهای خارجی در باکو دستگیر شدند (سلطانوا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲).

1 . Ibrahim Eidarous

2 . globalsecurit

3 . Sultanova

### ۳-۵-۵. جماعت الموحدون

در آوریل ۲۰۰۶ شش عضو گروه موسوم به «جماعت الموحدون»<sup>۱</sup> به جرم خرید و فروش غیرقانونی سلاح و رفت‌وآمد غیرقانونی به آذربایجان و برنامه‌ریزی برای بمب‌گذاری در سفارت آمریکا و روسیه و ساختمان شرکت دولتی نفت جمهوری آذربایجان سوکار و بانک ملی این کشور به ده الی ۱۵ سال زندان محکوم شدند. در ۲۹ اکتبر ۲۰۰۷ وزارت امنیت ملی اعلام کرد مانع یکی از بزرگترین عملیات تروریستی در جمهوری آذربایجان شده است. این عملیات توسط گروه‌های وهابی رادیکال علیه چند ساختار و سازمان دولتی در باکو هدف‌گذاری شده بود. سفارتخانه‌ها و نمایندگی کشورهای دیگر در باکو بعد از اعلام این خبر برای کنترل اوضاع مرکز تجاری لندمارک، دفتر شرکت نفتی استاویل نروژ و دفتر بریتش پترلیوم و سفارت انگلیس و سفارت آمریکا برای دو روز تعطیل شد. هفته بعد از آن خیل گسترده‌ای از وهابی‌ها به اتهام برنامه‌ریزی برای حمله دستگیر شدند. در بین دستگیرشدگان شخصیت معروف وهابی به نام «ابوجعفر» افسر نظامی رده‌بالا و مرتبط با القاعده و الجهاد نیز دستگیر شد. در این عملیات چندین نفر از وهابی‌ها کشته شده‌اند (واتچاگایف، ۲۰۱۴: ۹۱).

### ۶-۵-۵. نشانه‌های فعالیت و تهدیدهای سلفی‌های افراطی در جمهوری آذربایجان

گروه‌های وهابی فعال در جمهوری آذربایجان اقتدار معنوی «الله شکور پاشازاده» (شیعه)، رئیس اداره مسلمانان قفقاز را نمی‌پذیرند. باین‌وجود آن‌ها این ذهنیت را به نهادهای دینی دولتی و حاکمیت جمهوری آذربایجان القا می‌کنند که صرفاً دنبال ترویج دینداری و بازگشت به اصول اسلام اصیل (سلفیسم) هستند نه اهداف سیاسی اسلامی. باین‌همه رفتارهای خشونت‌آمیز از سلفی‌ها در جمهوری آذربایجان دیده شده است. دولت جمهوری آذربایجان برای گسترش تعداد سلفی‌گری افراطی و افکار وهابی‌نگرانی ندارد و مسئولین دولتی بارها و بارها اعلام کرده‌اند که از طریق اداره مسلمانان قفقاز و کمیته دولتی امور

1. Jamaat almuvahiddun
2. Vatchagaev

دینی، بر امور دینی کنترل کامل دارند و جای نگرانی نیست. دولت آذربایجان مدعی است روابط نزدیک اقتصادی و سیاسی با غرب، آسیب‌پذیری این کشور را در برابر تهدیدات اسلام افراطی کاهش می‌دهد (کرایسس گروپ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸: ۸).

در ۱۱ دسامبر سال ۲۰۱۳ در شهر سومقائیت جمهوری آذربایجان بین دو گروه تندرو خوارج و سلفی‌ها درگیری شدیدی رخ داد. رسانه‌های جمهوری آذربایجان دلیل این درگیری را مسائل ایدئولوژیکی و مذهبی بین این دو گروه اعلام کردند. همچنین در اواسط اکتبر سال ۲۰۱۳ درگیری و تیراندازی بین پلیس جمهوری آذربایجان و گروه‌های وهابی رخ داد. بعدازآن پلیس جمهوری آذربایجان اعلام کرد در مساجد احتمال درگیری بین فرق مختلف در حال افزایش است و باید تدبیری اندیشیده شود (پانوراما<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳).

در سال ۲۰۰۴ «نامیک عباس‌اف» وزیر امنیت ملی جمهوری آذربایجان مدعی شد القاعده در حال برنامه‌ریزی برای خرابکاری در زیرساخت‌های خط لوله باکو-تفلیس - جیحان است. همچنین در همان سال یک گروه نه نفره اتباع خارجی (افغانستان، انگلیس، اردن) که مشکوک به ارتباط و اخذ دستور برنامه بمب‌گذاری از «ابوحافظ»، مسئول و هماهنگ‌کننده اقدامات القاعده در قفقاز بودند، دستگیر شدند. در مارس ۲۰۰۵ شش شهروند آذری به رهبری «امیرارسلان اسکندر اف» به برنامه‌ریزی برای عملیات تروریستی و تدارک زمینه برای خرابکاری گسترده به پشتوانه القاعده محکوم شده بودند، در باکو دستگیر شدند. به گفته وزیر امنیت ملی هدف اصلی این‌ها مبارزه با دولت بخاطر سکولار بودن آن و تغییر دولت سکولار بوده است (کرایسس گروپ، ۲۰۰۸: ۱۶-۱۱۸). طبق آمار پایگاه داده‌ای تروریسم جهانی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵، هفت نفر به‌صورت مستقیم در عملیات‌های تروریستی در جمهوری آذربایجان کشته و ۲۰ نفر زخمی شده‌اند. در سال ۱۹۹۰ بمب‌گذاری در اتوبوس آغدام-تفلیس، در سال ۱۹۹۴ بمب‌گذاری در مترو باکو، در سال ۲۰۰۷ حرکت تروریست در فرودگاه باکو و در سال ۲۰۰۷ تیراندازی در آکادمی نفت

---

1 . Crisis Group Europe Report

2 . Panorama

دانشگاه دولتی باکو از جمله عملیات‌های تروریستی سلفی‌های افراطی در جمهوری آذربایجان است (گلوبال تروریسم دیتابیس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵).

## ۶. نتیجه‌گیری

برای بررسی یک مسئله تهدیدآفرین در محیط بلافصل امنیتی و راهبردی هر کشوری باید به سه موضوع استراتژی یعنی تکنیک‌ها و ابزارهای مورد استفاده، اهداف سیاست‌خارجی کنشگران درگیر و در آخر محیط منطقه‌ای توجه کرد تا تحلیل مسئله مورد نظر با واقعیت نزدیک‌تر باشد. این پژوهش سعی کرده این مسائل را مدنظر قرار دهد و در کنار بررسی ریشه‌ها و دلایل داخلی ظهور و بروز سلفی‌گری در جمهوری آذربایجان به تحلیل اهداف و رویکردهای کنشگران خارجی دخیل نیز بپردازد. در پاسخ به مسئله اصلی پژوهش، دلایل برآمدن و گسترش سلفی‌گری افراطی در جمهوری آذربایجان، تحلیل دلایل حکایت از این داشت که عوامل داخلی و فاکتورهای خارجی در بروز و ظهور سلفی‌گری افراطی به‌منزله یک پدیده روبه‌رشد در جمهوری آذربایجان تأثیر داشته است. به لحاظ تاریخی اولین تماس مسلمانان این منطقه با مراکز سلفی‌گری در دوره حاکمیت شوروی برقرار شد و مبلغان و منابع دینی سلفی وارد منطقه شده‌اند. به لحاظ سیاسی نیز رقابت‌های منطقه‌ای کشورهای منطقه بعد از استقلال جمهوری آذربایجان در وضعیت دینی جامعه جمهوری آذربایجان تأثیر گذاشته و این رقابت‌های سیاسی، خروجی‌های فرهنگی تأثیرگذاری در این کشور داشته است. بر اساس همین روندها می‌توان رشد و گسترش فزاینده این پدیده را در جمهوری آذربایجان در آینده نیز انتظار داشت. روندی که باعث شد که اسلام در جمهوری آذربایجان که در برهه فعلی بیشتر شیعیان هستند توسط سلفی‌ها در تنگنا قرار گیرند. طبق یافته‌های این تحقیق شهروندان آذری پیرو الگوی مذهبی ترکیه، ضد ایرانی‌ترین گروه مذهبی در جمهوری آذربایجان می‌باشند و بیشترین تهدید علیه مؤلفه‌های فرهنگی ایرانی در جمهوری آذربایجان محسوب می‌شوند. علت این مسئله متأثر از رقابت ترکیه با ج.ا.ایران در منطقه، ترکیب و هم‌افزایی پان‌ترکیسم و اسلام سنی-ترکی علیه ج.ا.ایران شیعه

و همچنین هماهنگی موجود بین دو دولت جمهوری آذربایجان و ترکیه، است. پان‌ترکیسم (مورد حمایت دو دولت جمهوری آذربایجان و ترکیه که الگوی پان‌آدریسم حاکمیتی در جمهوری آذربایجان نیز زیرمجموعه آن قرار می‌گیرد) که یک تهدید علیه جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود با اسلام سنی که با شیعه رقابت دارد در جمهوری آذربایجان علیه جمهوری اسلامی ایران متحد شده‌اند. سلفی‌های افراطی وابسته به کشورهای عربی با اینکه با شیعیان جمهوری آذربایجان در تنش هستند ولی کمتر اظهارنظر ضد ایرانی داشته‌اند و بیشتر در برهه فعلی بر تبلیغ و گسترش پیروان اهل سنت در جمهوری آذربایجان متمرکز هستند و وارد فاز سیاسی و تهاجمی نشده‌اند. این روند در نهایت به ضرر شیعیان و تخریبگر مبنای و مظاهر فرهنگ اصیل و تاریخی مردمان این مرزوبوم و به تبع آن محدودکننده روابط اجتماعی- فرهنگی این کشور با جمهوری اسلامی ایران است. این روندهای ضد ایرانی پیشین را تحرکات بعد از جنگ دوم قراباغ بیش‌ازپیش تقویت کرده است. انتقال نیروهای تکفیری ترکیه‌پرور از سوریه به مناطق آزادشده قراباغ و برخی شهرهای همجوار با جمهوری اسلامی ایران از جمله لنکران، تهدیدات هیبریدی علیه امنیت و منافع ایران در منطقه ایجاد کرده است.

## منابع

## الف - فارسی

- آکینر، شیرین (۱۳۶۶). *اقوام مسلمان شوروی*. ترجمه علی خزعلی، مشهد مقدس: آستان قدس رضوی.
- بینگسن، الکساندر، و برآکس اپ، مری (۱۳۷۰). *مسلمانان شوروی گذشته، حال و آینده*. ترجمه کاوه بیات، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جنابی، سروش (۱۳۸۲). «بحران در قفقاز شمالی: نگاهی به استقلال‌طلبی مردم مسلمان چچن»، *فصلنامه نهضت*، ۴ (۱۳)، ۱۷۱-۲۰۱.
- حق‌جو، میرآقا (۱۳۸۳). «قفقاز جنوبی و بازتاب تعارضات هویتی - فرهنگی بر بی‌ثباتی منطقه»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ۳ (۴۵)، ۱۰۵-۱۱۲.
- خلیجی، محسن، و مجیدی، ابراهیم (۱۳۸۸). «رشد هویت اسلامی-شیعی در جمهوری آذربایجان»، *شیعه‌شناسی*، ۷ (۲۶)، ۳۵-۵۴.
- دکمیجان، هریر (۱۳۷۷). *جنبش‌های اسلامی معاصر جهان عرب*، حمید احمدی. تهران: انتشارات کیهان.
- زارع، محمدرضا (۱۳۸۳). *علل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه*. تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- سیف‌زاده، حسین (۱۳۷۸). «قفقاز و تراژدی لاینحل هویت ملی»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ۸ (۲۷)، ۸۳-۹۶.
- فلاح، رحمت‌الله (۱۳۹۰). «محیط سیاسی جریان‌های اسلام‌گرای شیعی در جمهوری آذربایجان»، *مطالعات راهبردی جهان اسلام*، ۱۲ (۴۵)، ص ۲۳۰-۲۱۳.
- گلی، حسن (۱۳۸۷). «وهابیت تهدید برای جمهوری آذربایجان»، *آران*، ۶ (۱۶)، ۱۷۵-۱۸۵.
- منفرد، افسانه، و بیات، کاوه (۱۳۸۷). *مروری بر تاریخ چچنستان؛ روایتی از سیمای طبیعی، فرهنگ، سیاست و تصوف ستیهنده کوه‌نشینان قفقاز*. تهران: نشر کتاب مرجع.
- واحدی، الیاس (۱۳۸۶). *هویت قومی در جمهوری آذربایجان*. تهران: انتشارات ابرار معاصر.



- ویلهلمسن، ژولی (۱۳۸۴). «اسلام‌گرایی جنبش جدایی طلب چچن»، ترجمه سعید نقی‌زاده، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، ۱۳ (۴۹)، ۱۸۲-۱۳۷.
- هاشمی، غلامرضا (۱۳۸۱). «عوامل درون‌منطقه‌ای تأثیرگذار بر امنیت قفقاز»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ۱۱ (۴۰)، ۸۵-۱۰۶.
- هانتر، شیرین، تامس، جفری، و ملیکیشویلی، الکساندر (۱۳۹۱). *اسلام در روسیه؛ سیاست‌های هویتی و امنیتی*. ترجمه الهه کولایی، سیده مطهره حسینی و اسما معینی، تهران: نشر نی.
- هرزیگ، ادموند (۱۳۸۱). «اسلام، فراملی‌گرایی و زیرمنطقه‌گرایی در کشورهای سی‌آی‌اس»، ترجمه امیرمسعود اجتهادی، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ۱۱ (۳۸)، ۱۰۱-۱۴۶.

### ب- انگلیسی

- Abbasov, S. and Ismailova, K. (2012). “*Watching for Wahhabis: The Religious Factor in Azerbaijan's Parliamentary Election Campaign*”, Eurasia Insight, Available at: <https://www.religiousforums.com>.
- Anar Valiyev (2005). “Azerbaijan: Islam in a Post-Soviet Republic”, *Meria*, available at: <http://meria.idc.ac.il>.
- Asbed Kotchikian (2012). “Secular Nationalism Versus Political Islam in Azerbaijan,” *Terrorism Monitor*, 3 (3). available at: [www.jamestown.org](http://www.jamestown.org).
- *Azerbaijan: independent islam and the state*, *Crisis Group Europe* (2008). Report N 191-25, March.
- cornell, E. S. (2011). *Azerbaijan since Independence*, New York: M.E. Sharpe.
- cornell, E. S. and baran, z. (2006). “Islamic radicalism in central asia and the Caucasus”, *silk road paper*, available at: [www.silkroadstudies.org](http://www.silkroadstudies.org).
- Crisis Group Europe Report (2008). *Azerbaijan: independent islam and the state*, *Crisis Group Europe*, Report N 191-25, at: [www.crisisgroup.org](http://www.crisisgroup.org).
- Emil Souleimanov (2012). “Between Turkey, Russia, and Persia: Perceptions of National Identity in Azerbaijan and Armenia at the Turn of the Nineteenth and Twentieth Centuries”, *Gloria Center*, available at: <http://www.gloria-center.org/2012/04/between-turkey-russia-and-persia-perceptions-of-national-identity-in-azerbaijan-and-armenia-at-the-turn-of-the-nineteenth-and-twentieth-centuries/>.
- Emil Souleimanov (2012). “Jihadism on the Rise in Azerbaijan”, *CACI Analyst*, February 5, at: <http://www.cacianalyst.org/?q=node/5766>.
- Falkowski, M. (2016). “Russia's Middle East: the escalation of religious conflicts in Northern Caucasus”, *Center for Eastern Studies*, available at: <http://www.economist.com>.

- Geybullayeva, A. (2007). "Is Azerbaijan Becoming a Hub of Radical Islam?", *Turkish Policy Quarterly*, at: <http://www.turkishpolicy.es>.
- Globalsecurity (2007). "*Egyptian Islamic Jihad Group*" available at: [www.globalsecurity.org/military/world/para/aljihad.htm](http://www.globalsecurity.org/military/world/para/aljihad.htm).
- Goyushov, A (2012). "Islam in Azerbaijan: Historical Background", *Caucasus Analytical Digest*, no.44 available at: <http://www.css.ethz.ch>.
- Goyushov, A. (2008). "Islamic Revival in Azerbaijan", *Current Trends in Islamist Ideology*, available at: <http://www.currenttrends.org>.
- Haahr-Escolano, K. (2005). "The Rise of Salafi Islam in Azerbaijan", *The Jamestown foundation, Terrorism Monitor*, 3 (13), at: <https://jamestown.org>.
- Heyat, F. (2008). "*The Resurgence of Islam in post-Soviet Azerbaijan*" *Azerbaijan Diplomatic Academy*", School of International Affairs.
- Heyat, F. (2002). *Azari Women in Transition: Women in Soviet and post-soviet Azerbaijan*, London: Routledge Curzon.
- Kotchikian, A(2005). "Secular Nationalism Versus Political Islam in Azerbaijan", *Terrorism Monitor*, No.3, available at: [www.jamestown.org](http://www.jamestown.org).
- Kotecha, H. (2006). "Islamic and Ethnic Identities in Azerbaijan: Emerging Trends and Tensions", *OSCE*, available at: <http://www.osce.org/baku/23809>.
- Madsen, W. (2013). "CIA Troublemaking in Caucasus", *Strategic Culture Foundation, Global Research*, May 20, at: [www.strategic-culture.org](http://www.strategic-culture.org).
- Mamedov, E. (2011). "Azerbaijan: Evaluating Islamists' Strength in Baku", available at: <http://www.eurasianet.org/node/64018>.
- Mikhail, R. (2001). "Rhetoric Clouds War on Terrorism", *Perspective*, Volume XII, at: <https://open.bu.edu/handle/2144/3595>.
- Motika, R. (2001). "Islam in Post-Soviet Azerbaijan", *Archives de sciences sociales des elisions*, available at: <http://www.ehess.fr>.
- Murtazin, M.(2000). "Muslims abd Russia: War or Peace?", *Central Asia and the Caucasus*, 3 (1), PP.132-141.
- Olcott, M. B. (2007). *The Roots of Radical Islam in Central Asia*, Washington DC: Carnegie Endowment for International Peace.
- Panorama, A (2013), available at: <http://www.panorama.am/en/>.
- Raufoglu, A. (2011). "Is Political Islam Growing in Azerbaijan?", *Contact*, available at: <http://contact.az/docs/2011/Interview/101810685en.htm>.
- Rovshanoglu, K (2017). "Radicalism and Jihadism in Azerbaijan", *Contact* , available at: Internet Sources.
- Saroyan, M. (1997). *Minorities, Mullahs, and Modernity: Reshaping Community in the ormer Soviet Union*, University of California, Berkeley Institute.
- Shaffer, B. (2000). "It's not about ancient hatreds, it's about current policies: Islam and Stability in the Caucasus", *Caucasian Regional Studies*, 5 (1-2).

- Sultanova, S. (2011). “Azerbaijan: Sunni Groups Viewed with Suspicion”, *Institute for War and Peace Reporting*, available at: <http://iwpr.net/report-news/azerbaijan-sunni-groups-viewed-suspicion>.
- Valiyer, A. (2012). “*The rise of salafi islam in Azerbaijan*”, available at: <https://jamestown.org/program/the-rise-of-salafi-islam-in-azerbaijan>.
- Vatchagaev, M. (2012). “The Evolution of Salafism in the North Caucasus”, *Eurasia Daily Monitor*, 6 (157), Available at: <http://www.jamestown.org>.
- Vatchagaev, M. (2014). “Azerbaijani Jamaat Cooperates with Caucasus Emirate”, *Eurasia Daily Monitor*, 9 (73).

